

سرمقاله

اما و اگرها در گفتگو با گروه طالبان

رحیم حمیدی

گروه طالبان نسبت به هر سالی دیگر، جبهه نبرد در برابر نظامیان کشور را گرم نگه داشته است. در سال های یاز به ندرت به جنگ های رو در روی طولانی روی می آورد، بلکه عمدتاً جنگ های چریکی انجام داده و پس از یکی دو ساعت درگیری عقب نشینی کرده و به پناهگاه های امن می رفت و در مناطق تحت تسلط خود افراد ملکی را به گونه های متفاوت اذیت و آزار می نمود. بدین ترتیب در فصل زمستان تحرک چندانی نداشت و گه گاهی برخی از حمله های انتحاری را سازمان دهی می کرد.

اما این سال برعکس همه سال هاست. جنگ را به گونه ای بی سابقه شدت بخشید. در فصل بهار بی سابقه ترین نبردها را در برابر دولت سازمان دهی کرد. حضور گسترده نظامی در ولایت های شمالی و تصرف ولایت کندز برای چند روز، از نمادهای شدت جنگ در این سال است. حتی در فصل سرمای زمستان نیز آرام ننشسته است. حملات را در ولسوالی های ولایت های هلمند، جوزجان و بغلان تشدید کرده است. تحرکات نظامی این گروه در بغلان باعث شد که هفته ها کابل نشینان «خو» کرده با برق و وسایل برقی، تاریک ماند و دشواری های طاقت فرسای را تحمل کنند. در همین حال، طوری که نظامیان خارجی و تحلیل گران داخلی تحلیل کرده و پیش بینی می کنند، بهار، تابستان و خزان سال آینده سال تشدید هرچه بهتر جنگ خواهد بود. هم گروه طالبان حملات اش را شدت می بخشد و هم گروه به مراتب تندروتر و خطرناک تر از این گروه، داعش فعالیت های تخریبی و تروریستی اش را از حوزه جلال آباد به دیگر ولایت ها گسترش خواهد داد.

بر اساس گزارش که از سوی خبرنگاری مرکزی به نشر رسیده، گروه داعش در سال پیش رو در صدد تسخیر مناطق مرکزی است. البته این گزارش و این خبر به شدت نگران کننده و هراس ناک، مشکوک و سیاسی می نماید، یعنی ممکن است برخی از حلقه های سیاسی به کمک دستگاه های اطلاعاتی بیرونی در صدد حساس کردن

سازمان عفو بین الملل در گزارش جدید خود آورده است که آمار خشونت علیه غیر نظامیان در سال ۲۰۱۵ در افغانستان افزایش یافته است. در این گزارش آمده است که عامل ۷۰ درصد خشونت ها گروه های مخالف مسلح دولت است. قبل از این، یوناما نیز گزارش خود را در مورد کشته و زخمی شدن غیر نظامیان در سال ۲۰۱۵ منتشر نموده بود. براساس گزارش یوناما، در سال ۲۰۱۵ افزایش چهار درصدی خشونت علیه غیر نظامیان مواجه می باشیم. در گزارش یوناما عامل ۶۲ درصد کشته و زخمی شدن غیر نظامیان گروه های مخالف مسلح دولت خوانده شده بود.

گزارش های سال های قبل یوناما و سازمان عفو بین الملل نشان می دهد که هر ساله آمار خشونت علیه نظامیان افزایش یافته است. این در حالی است که از سال ۱۳۸۹ به این سو، حکومت افغانستان بی توجه به کشته و زخمی شدن غیر نظامیان از سوی گروه های مخالف مسلح دولت پروسه صلح را روی دست گرفته است. آیا حکومت افغانستان صلاحیت مصلحه با گروه های را دارد که برای سال های متمادی از مردم افغانستان قربانی گرفته است؟ در صورت که گروه طالبان به پروسه صلح بپیوندد آیا حکومت افغانستان صلاحیت عفو اعضای گروه طالبان را دارد؟

گروه طالبان، در دوران حاکمیت خود فجایع زیادی را مرتکب شدند. قتل عام شهروندان کشور، تخریب اماکن تاریخی از جمله بودای بامیان، جای دادن تروریست های بین المللی و ... از مسائل است که این گروه در دوران حاکمیت خود انجام دادند.

گروه طالبان در یک و نیم دهه گذشته، مانع تطبیق پروژه های عام المنفعه شده اند. از این طریق ضربه بزرگ اقتصادی بر کشور مردم وارد نموده است. در عین حال، این گروه سرک ها را نیز تخریب نموده است. شاهراه کابل-قندهار و هرات نمونه بارز آن است. این سرک در نخستین سال های شکل گیری حکومت پسا طالبان اعمار نشد. اما، مابین گذاری زیر پلچک ها و کنار جاده از سوی گروه طالبان این شاهراه تخریب گردیده است. در مسیر کابل- غزنی-قندهار هرات شاید بلچکی سالم نمانده باشد.

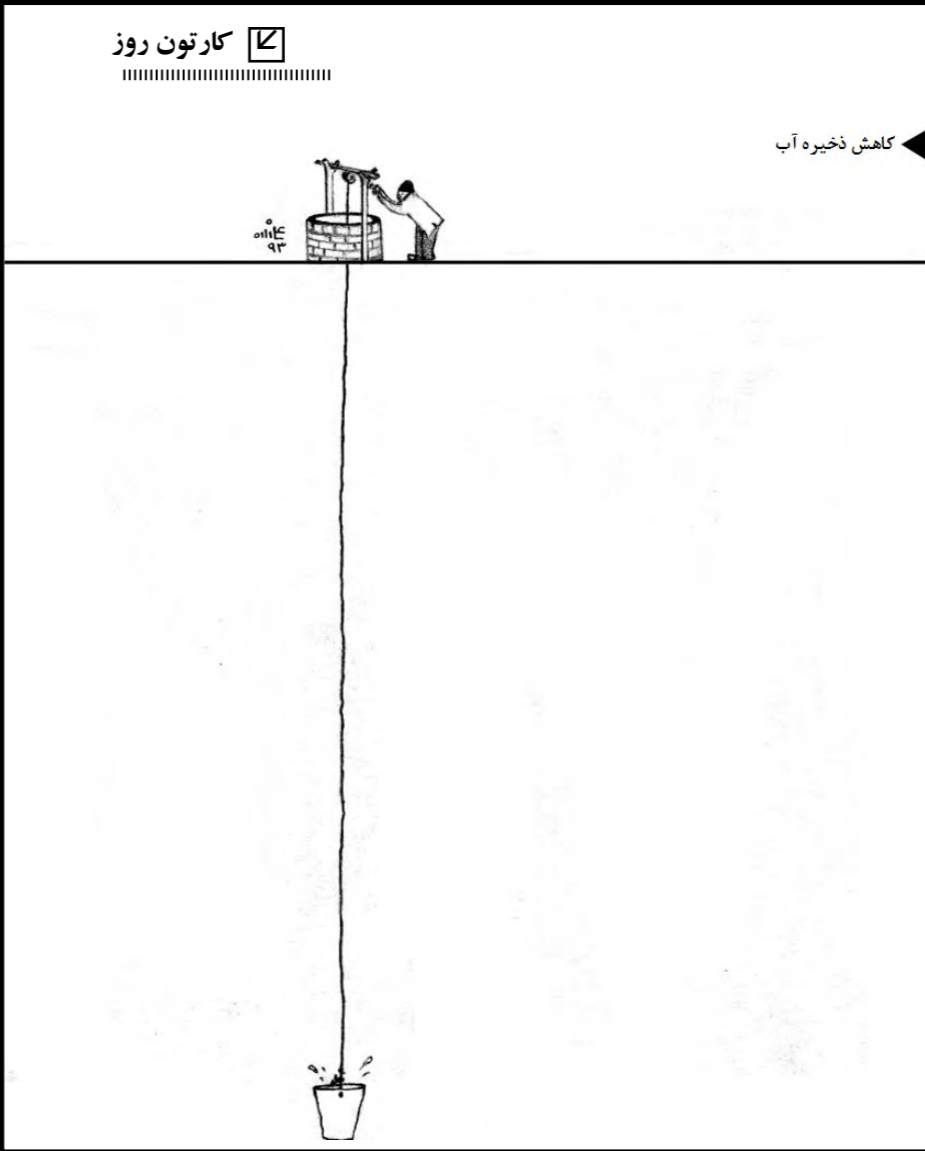
اکنون این گروه در کنار تخریب سرک ها، پایه های برق را نیز هدف قرار می دهد. در زمستان کنونی، گروه طالبان چند پایه برق را در ولایت بغلان تخریب و منهدم ساخته بود که بر اثر آن نزدیک به یک ماه شهروندان کابل در تاریکی به سر می برد. این گروه، پایه برق را ولایت قندوز نیز هدف قرار داده بود.

به هر میزان که صدای صلح از سوی حکومت افغانستان بلندتر شده است، گروه طالبان حملات خود را تشدید بخشیده است و منجر به افزایش کشته و زخمی شدن غیر نظامیان شده است.

در سال های گذشته، گروه طالبان، پایه های برق را هدف قرار نمی داد. در سال کنونی که حکومت افغانستان در کنار تلاش های داخلی برای کشتادن این گروه به میز مذاکره در سطح بین المللی و منطقه نیز تلاش می کند تا این گروه را وادار به صلح نماید، این گروه پروژه های عام المنفعه را هدف قرار می دهد و خشونت بیشتر علیه مردم افغانستان به خرج می دهد. همه این موارد، این پرسش را مطرح می کند که آیا حکومت افغانستان صلاحیت مصلحه با این گروه را دارد. گروهی که برای سال های متمادی به مردم افغانستان درد و رنج داده است. گروهی که هر روز، جان عزیزان مردم را می گیرد. گروهی به اطفال و کهن سالان رحم نمی کند. تفاوت میان نظامیان و غیر نظامیان نمی گذارد.

پرسش در مورد صلاحیت گفتگو با گروه طالبان یک امر جدی است. زیرا، در فرادی مصلحه ممکن است جنجال ها بیشتر گردد و مردم افغانستان خواهان محاکمه شدن عاملان کشتار ها یک و نیم دهه گذشته گردد. مردم افغانستان اگر چه از جنگ خسته شده اند و قربانی زیادی در این راه پرداخته اند اما این به معنی این نیست که بی تفاوت به دیدگاه مردم با دشمنان آن ها صلح و مذاکره نماید.

سینت (۱۹۷۸) {۱۹۷۶}: (۶۷-۸) می نویسد: «در خانه لباس ها در پی فرد و نیازهایش بودند. مانند لباس قدیمی دیدرو، در خیابان شخص در لباس قدم می گذاشت، لباسی که هدفش این بود این امکان را برای دیگران فراهم کند تا بر اساس شناختی که از شما داشتند، رفتار کنند». تا پیش از قرن نوزدهم، این عقیده که بدن به عنوان امری طبیعی قابل بیان است و واقعا در فضای عمومی هم می تواند باشد، وجود نداشت. به علاوه برخی از نویسندگان از این هم فراتر



هر دو جبهه گرم است

عبدالرحمن فهیمی



شده است. شورای عالی صلح که ماه ها بی سرنوشت بود، اکنون صاحب رییس، شش معاون و چند مشاور شده است و در نشست چهارجانبه ای که روز سه شنبه برگزار گردید، پیش رفت نسبی به چشم آمده و از زمان شروع مذاکرات صحبت شده است. جالب و جذاب این است که گروه طالبان نیز اعلام آمادگی کرده و خرسندی کرده است. بر اساس فیصله های از سلسله نشست های چهارجانبه اظهار خرسندی کرده است. بر اساس فیصله های نشست چهارجانبه ای روز سه شنبه کمتر از ده روز دیگر گفت و گوی رو در رو با گروه طالبان در پاکستان آغاز خواهد شد. از این هگذر صفحه ای صلح و جبهه گفت و گوهای سیاسی گرم است.

در حال که نشست های چهارجانبه میان چهار کشور به قوت باقی بوده و یک جنگ نیز گرم است. پس از این که نشست های چهارجانبه ای میان افغانستان، پاکستان، چین و آمریکا برگزار می شود و به خاطر حضور آمریکا و چین و نیز تفرقه های نظامیان پاکستانی خوش بینی های را نیز به همراه داشته است، پرسش های مهم این خواهد بود که با کدام گروه طالبان باید نشست و به

هر چه بیشتر مردم، ایجاد فضای رعب و وحشت و به با ایستاد کردن مردم پیش از داعش باشند، ولی به هر حال باید مورد بررسی قرار گرفته و جدی پنداشته شود. بنابراین، جبهه جنگ و نبرد گرم است. گروه طالبان از هیچ حمله و ضربت زدن به دولت جمهوری اسلامی دریغ نمی کند. حتی در این اواخر به اماکن و تاسیسات عمومی مانند پایه های برق اهمیت نمی دهد. با این که می دانست خانه های الیت های سیاسی همیشه وقت روشن بوده و تاریک نمی شود بلکه خانه های مردم تاریک شده و زبان های بی شمار اقتصادی می بیند، بازهم تخریب کرد.

اما در آن طرف صفحه، جبهه صلح، گفت و گوهای سیاسی و صحبت از ترک جنگ نیز گرم است. پس از این که نشست های چهارجانبه ای میان افغانستان، پاکستان، چین و آمریکا برگزار می شود و به خاطر حضور آمریکا و چین و نیز تفرقه های نظامیان پاکستانی خوش بینی های را نیز به همراه داشته است، پرسش های مهم این خواهد بود که با کدام گروه طالبان باید نشست و به

منصور را به عنوان رهبر جدید برگزیدند و او هم بیانیه ها و مواضع متفاوت از قبلاش را ابراز کرد. ولی انتخاب منصور مورد توافق دیگر فرماندهان و حتی خانواده ای ملاعمر قرار نگرفت. فرماندهان مخالف و ناراضی از ملا منصور چهار اطراف ملا رسول گردنم آمده و او را لایق جانشینی ملای بزرگ می دانند. اما همین ناراضی ها نیز توافق نظر کلی نداشته و به دسته های دیگر تقسیم می گردند. حلقه ای ملا رسول حلقه ای ملا منصور را مامور استخباراتی پاکستان معرفی کرده و به این باور هستند که او به اشاره ی دولت پاکستان عمل می کند.

اختلاف میان گروه طالبان به حدی تیره شده که دیگر نویسندگان و سیاستمداران از واژه ای گروه استفاده نکرده بلکه از واژه ای گروه های طالبان استفاده می کنند. در نشست چهارجانبه ای که در کابل برگزار شده بود نیز شرکت کنندگان از طالبان به عنوان گروه های طالبان نام بردند.

به نظر می رسد که اکنون تشخیصی و تفکیک گروه یا گروه های مذاکره کننده دشوار است. از میان گروه ها و دسته های که خواهان گفت و گو با دولت هستند، کدام ها هستند؟ در نشست چهارجانبه ای کابل از تمامی گروه های طالبان نام برده شده و خواسته شد که در نشست رو در رو نمایندگان شان را معرفی نمایند. اما بدون تردید که برخی از گروه های آنان خواستار گفت و گو نبوده و بر طبل جنگ تا زمان حضور نیروهای نظامی و غیر نظامی خارجی می کوبند و نمایندگی نیز نخواهند فرستاد.

در نهایت، مردم چاره ای جز صبر، انتظار و خوش بینی ندارند. در طول سال های گذشته به هر پیمانه ای که صدای شان را به گوش الیتهای قدرت به ویژه سکانداران ارگ ریاست جمهوری رسانیده و خواستار برخورد قاطع و شدید با دشمن شدند، عاقل سر را مشاهده کردند. حالا ناگزیر اند سیر کنند و به نتایج رفت و آمدها و نشست های نکاتی پوشان خوش تیپ خوش بین و امیدوار باشند.

صورت رو در رو گفت و گو کرد؟. آیا دولت پاکستان همه ی گروه های طالبان را به گفت و گو رو در رو می کشاند؟ اگر یکی از گروه ها حاضر به گفت و گو نشود، چه می شود؟ پس از مرگ ملاعمر امیر المؤمنین تک چشم گروه طالبان، انسجام درونی این گروه نیز از هم پاشیده است. انگار ملاعمر وحدت سیاسی و انسجام گروهی را نیز با خود به گور برده است. البته در جامعه های سنتی و به تبع ساختارهای سنتی همیشه لرزان و بی ثبات است. گروه ها و مجموعه های اجتماعی و سیاسی بر محور فرد شکل می گیرد و به محض غیابت فرد محور، انشعاب های کلان رخ داده و یک گروه و سازمان به چندین محور تقسیم می شود. اکنون که ملاعمر نیست، پیروان فدایی اش بر سر تعیین جانشین اختلاف دارند. هر یکی خود و یا فرد مورد نظرش را لایق جانشینی ملای بزرگ دیده و دیگران را لایق ندانسته و رد می کند. برخی از فرماندهان طالبان جلسات مکرر تشکیل داده و سر انجام ملا اختر محمد

جامعاً شناسی لباس

پیتر کوریگان برگردان شاپسته مدنی / قسمت دوم و پایانی



بیشتری وجود دارد تا به شخص توجه شود، به این دلیل که جایی وجود دارد که تفاوتها اکنون نمایان است. این مساله به نظر می رسد نتیجه ی پیش بینی نشده ای داشته باشد که تمایل جدید به پوشش غیر محسوس است. ممکن است کسی از نظر اجتماعی کمتر انگشت نما باشد اما به لحاظ شخصیتی خودنما تر شود. بدین ترتیب افراد شروع به موشکافی درباره ی یکدیگر می کنند تا نشانه های بیشتری درباره ی شخصیت دیگران بدست آورند و چنین موشکافی ای تقریباً در سطح بسیار خرد وجود دارد. پس جای تعجب نیست اگر تصور کلی بر همانند باشد و تنها در جزئیات است که می توان تفاوت را پیدا کرد.

«بیشتر خارق العاده ی مد در لباس، غذا، محل سکونت، نیازها، ایده ها، نهادها جمعیت ناپدید شوند. یکنواختی ای در آن وجود دارد. به نظر سینت به این دلیل است که مردم می خواهند از خودشان در برابر تحولات شهری محافظت کنند. اگر قرن هیجدهم، قرن نظم اجتماعی بود، قرن نوزدهم بیشتر قرن بی نظمی اجتماعی است که در آن طبقه ی کارگر به سرعت رشد کرده و در شهرها متمرکز هستند و انقلابات و شورش های بسیاری وجود دارد. گسترش تولید انبوه و چرخ خیاطی، این امکان را برای هر کسی فراهم کرد که کمابیش شبیه دیگری لباس بپوشد. به نظر می رسد این ویژگی موجب ظهور یکی از متاخرترین نظریات جامعه شناسی دربارۀ اهمیت لباس شد که گابریل تارد در کتاب قوانین تقلید مطرح کرده است. به نظر او هستی اجتماعی در اصل تقلیدی بوده و بنابراین جامعه تقلید بوده است. گسترش مد، شکلی از تقلید دیده شده و تارد نتیجه ای منطقی را در آن دیده است که خلق جامعه ای واحد با ظاهرهای یکسان است. به نظر او،

نوزده همه چیز محور شده و مردم به شیوه ای لباس می پوشند که در میان جمعیت ناپدید شوند. یکنواختی ای در آن وجود دارد. به نظر سینت به این دلیل است که مردم می خواهند از خودشان در برابر تحولات شهری محافظت کنند. اگر قرن هیجدهم، قرن نظم اجتماعی بود، قرن نوزده بیشتر قرن بی نظمی اجتماعی است که در آن طبقه ی کارگر به سرعت رشد کرده و در شهرها متمرکز هستند و انقلابات و شورش های بسیاری وجود دارد. گسترش تولید انبوه و چرخ خیاطی، این امکان را برای هر کسی فراهم کرد که کمابیش شبیه دیگری لباس بپوشد. به نظر می رسد این ویژگی موجب ظهور یکی از متاخرترین نظریات جامعه شناسی دربارۀ اهمیت لباس شد که گابریل تارد در کتاب قوانین تقلید مطرح کرده است. به نظر او هستی اجتماعی در اصل تقلیدی بوده و بنابراین جامعه تقلید بوده است. گسترش مد، شکلی از تقلید دیده شده و تارد نتیجه ای منطقی را در آن دیده است که خلق جامعه ای واحد با ظاهرهای یکسان است. به نظر او،

رفتن که لباس نه تنها نقابی برای بدن، بلکه ابزار گسترش آن است، یعنی بدنهای ما شروع به بسط پوشاکهای ما با معنای آن کردند. نویسنده ای که در ذهنم بوده و در حال حاضر گنم است، هرمان لوتز است با کتابی با عنوان ریزگیان در سال ۱۸۸۵ در انگلستان منتشر شد. موضوع اصلی که اون دنبال کرده بود اینست: در واقع ما بدن غریبه را برای ارتباط با ظاهر بدنمان می آوریم... آگاهی از وجود شخصی ما در امتداد اندامها و نمای بیرونی این بدن غریبه است و نتیجه ی آن احساس گسترش خود مناسب ماست، اکنون کسب نوعی هیجان غریبه به سمت اعضای طبیعی ما، درجه ی غیر معمول از نیرو و قدرت مقاومت یا ثبات در موقعیت مان است (Lotze, 1885: ۵۹۲). این بیشتر نگاهی بدن محور به لباس است تا آنچه در قرن هیجدهم وجود دارد، لباسها و متعلقات آنها به نظر می رسد بیشتر حاملان بدن ما، خود ما و یا بهتر بگوییم شخصیت ما هستند. اگر در قرن هیجده، پایگاه اجتماعی به وضوح در خیابان قرار داشت، در قرن

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی حفرضی
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

Logo for 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook Afghanistan' with a globe graphic.